

BACCALAURÉAT GÉNÉRAL

SESSION 2016

PERSAN

VENDREDI 17 JUIN 2016

LANGUE VIVANTE 1

Série **L** – Durée de l'épreuve : **3 heures** – coefficient : **4**

Séries **ES-S** – Durée de l'épreuve : **3 heures** – coefficient : **3**

Le candidat traitera, dans la langue étrangère, l'ensemble des questions de l'épreuve pour laquelle il compose.

L'usage des calculatrices électroniques et du dictionnaire est interdit.

Dès que ce sujet vous est remis, assurez-vous qu'il est complet.
Ce sujet comporte 4 pages numérotées de 1/4 à 4/4.

Répartition des points

Compréhension de l'écrit	10 points
Expression écrite	10 points

- به خانه که می‌رسم، می‌بینم که معلم جدید پیانو منتظرم است و دلم می‌گیرد.
- مادامِ لهستانی همان سال اول با مردی مسلمان، که چهل سال از خودش بزرگ تر بود، ازدواج کرد و همراه او از ایران رفت. معلم دوم، صاف و پوست کنده، به مادرم گفت که من زره‌ای استعداد ندارم و این پیانو را هم باید داد و یک سیر سنجد گرفت. 5
- شب، سر میز شام، مادر می‌پرسد: «آقای حسام هم بود؟»
می‌گویم: «نه مسافرت بود.»
- پدر روزنامه‌اش را ورق می‌زند. می‌گوید: «حتماً با وزیر جنگ رفته بلژیک»، و می‌خندد.
- 10 خنده‌ی پدرم را دوست ندارم و، مثل خانم ناز، بشقاب غذایم را با دست پس می‌زنم و قهر و بداخلاق میز شام را ترک می‌کنم.
پدر می‌پرسد: «چی شد؟»
و صدای مادر به گوشم می‌رسد که می‌گوید: «کاش دیگر به دیدن خانم ناز نمی‌رفت.»
- 15 چند سال بعد، خانم ناز خبر مرگ آقای حسام را، به علت بیماری قلبی، در خارج از مملکت (کجا؟) به اطلاع همه می‌رساند. قیافه‌ی شازده حسام شکارچی، در تاریکی اتاق خوابِ خانم ناز، پیش چشمم می‌آید و دلم می‌سوزد. بعدها، مادر به من می‌گوید که آقای حسام چندین سال در خانه سالمندان بوده و هیچ کس از او خبر نداشته است.
- 20 هنگام مرگ هم تک و تنها بوده و خدا می‌داند در آن لحظه آخر به چه فکر می‌کرده است.
- نمیدانم چرا به دلم برات شده که آقای حسام، با وجود تنهایی در خانه‌ی سالمندان، میان آدم‌های پیر و افسرده، احساس آرامش و یک جور خوشیِ پنهان می‌کرده است. مجبور نبوده به شکار مار و عقرب برود یا با وزیر جنگ معاشرت کند.
- 25 مجبور نبوده اسمش را عوض کند و پشت در اتاق زنش، چون فراشی ابدی،

منتظر بنشینند. مجبور نبوده موهایش را رنگ کند و مؤدب و محترم باشد. او را می بینم که روی تختی کوفتی، زیر ملافه های کهنه ی چرک، کنار پنجره دراز کشیده و، بدون واهمه از توبیخ خانم ناز، زیر آواز زده و از ته دل می خواند. شاید هم در آن حال، در آن فرصت آخر، به تلافی تمام سالهای از دست رفته، قری هم داده و بشکن زنان به پیشواز مرگ رفته است. 30

خانم ها (دو دنیا)

گلی ترقی

تهران، نیلوفر، ۲۰۰۲، ص ۶۰ - ۶۱

Aide à la compréhension

crûment = صاف و پوست کنده

jujube = سنجد

avoir l'impression de = به دل کسی برات شدن

valet = فرآش

minable = کوفتی

réprimande = توبیخ

avoir pitié = دل سوختن

TRAVAIL À FAIRE PAR LE CANDIDAT

I. COMPRÉHENSION DE L'ÉCRIT : (10 points)

۱. اولین معلم پیانوی راوی اهل کجا بود و چه کرد؟
۲. دلیل مرگ آقای حسام، از نظر خانم ناز، چه بوده است؟ وی در واقع در کجا فوت کرده بود؟
۳. به نظرِ راوی، چرا آقای حسام میان آدم‌های پیر و افسرده خوشحال بوده است؟
۴. به نظرِ راوی، آقای حسام چگونه به استقبال مرگ رفته است؟
۵. آیا به نظرِ راوی، آقای حسام از زندگی خویش راضی بوده است؟ از کدام عبارت می‌فهمید؟

II. EXPRESSION ÉCRITE : (10 points)

Afin de respecter l'anonymat de votre copie, vous ne devez pas signer votre composition, citer votre nom, celui d'un camarade ou celui de votre établissement.

Les candidats traitent les **DEUX** questions (120 mots minimum pour chaque question)

به نظر شما، آیا درست است که پدر و مادر خویش را در سن پیری در خانه‌ی سالمندان رها کنیم؟ جواب خویش را توضیح دهید. می‌توانید در پاسخ خود جوامع ایران و فرانسه را باهم مقایسه کنید.